

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۰۵ جولای ۲۰۲۲

افغانستان جولانگاه اشغالگران و جنگ طلبان

(بخش سوم)

بازیگران دولتی و غیردولتی در مناطق مرزی نآرام افغانستان پناه می‌گیرند و احتمال وقوع جنگ را افزایش می‌دهند. کشورهای ثروتمند و غنی از لحاظ منابع طبیعی در مقایسه با کشورهای فقیرتر (از لحاظ منابع طبیعی)، به میزان بالاتری از جنگ‌های داخلی آسیب می‌بینند و جنگ‌های طولانی‌تری متحمل می‌شوند. زمانی که برخی از نقاط کشور توسط جنگ‌طلبان و عمدتاً اسلام‌گرایان کنترل می‌شوند، اختلافات و کشمکش‌ها اقتصاد جنگی ایجاد می‌کنند. اعضای گروه‌های مسلح از غارت اموال عمومی جامعه افغانستان سودهای سرشار می‌برند، بنابراین از خشونت و جنگ استفاده می‌کنند تا کنترل و دسترسی به منابع خود را حفظ کنند.

همه سیاستمداران دولتی و مخالفان آنها در گروه‌های مسلح، همچنان در بسیاری از نقاط افغانستان صاحب سهم بزرگی از استخراج معادن هستند. طالبان و اخیراً داعش به دنبال بهره‌برداری از منابع معدنی در بخش‌هایی از این کشور اند. داعش جهت تأمین هزینه عملیات‌های خود در افغانستان، عراق و سوریه به دنبال استخراج معادن افغانستان است. سنگ‌های قیمتی و مواد مخدر که براحتی قابل استخراج و معامله هستند، برای گروه‌های مسلح جذاب‌ترند. گاهی اوقات شعله‌ور شدن مناقشات به فعالیت‌های معدن‌کاوی در مناطق دور افتاده کشور منجر می‌شود. گروه‌های مسلح اسلامی و غیراسلامی، در حال رقابت و نزاع و مواجهه با یکدیگر اند.

دولت افغانستان در گزارش خود در سال ۲۰۱۷ ثروت این کشور در حوزه این منابع و معادن را به انضمام سوخت‌های فسیلی تا ۳ هزار میلیارد دلار تخمین زد.

تقاضا برای لیتیوم که در ساخت باتری خودروهای برقی، گوشی‌های همراه و لپ‌تاپ استفاده می‌شود، قابل مقایسه با قبل نیست. تقاضای لیتیوم در سطح جهان در حال حاضر سالانه ۲۰ درصد افزایش می‌یابد؛ در سال‌های گذشته این نرخ، ۵ تا ۶ درصد بود.

در گزارشی از وزارت دفاع امریکا، از افغانستان به عنوان «عربستان سعودی لیتیوم» نام برده شده است؛ یعنی همان جایگاهی که عربستان از نظر منابع و ثروت نفت در جهان دارد. در این گزارش تخمین زده شده که منابع افغانستان به اندازه منابع بولیوی است.

بهبود نسبی وضعیت اقتصادی جهان با فروکش کردن همه‌گیری کرونا بر تقاضای جهانی برای مس هم تأثیرگذار بوده است: سال گذشته این تقاضا تا ۴۳ درصد افزایش یافت. بیش از یک چهارم از ثروت برآورده‌شده آینده افغانستان در حوزه معدن و منابع، می‌تواند با بهره‌برداری از منابع مس به حقیقت بپیوندد.

در شرایطی که کشورهای غربی با تسلط طالبان به کابل، پایتخت افغانستان، ریاکارانه تهدید می‌کنند که با آن‌ها همکاری نخواهند کرد، روسیه، چین و پاکستان برای معامله و همکاری با این گروه تروریستی اسلامی، صف کشیده‌اند تا شکست نظامی امریکا و اروپا در افغانستان را جشن بگیرند.

چین به‌عنوان تولیدکننده تقریباً نیمی از تمامی تولیدات صنعتی جهان به بخش اعظمی از این مواد خام چشم دوخته است. چین که بزرگترین سرمایه‌گذار خارجی در افغانستان محسوب می‌شود پیش از این هم در زمینه ایجاد سیستم مؤثر معدن‌کاو در افغانستان، پیش‌تاز بوده است.

شرکت متالورژی چین (MCC) یکی از بزرگترین شرکت‌های دولتی چینی در زمینه استخراج معدن، پیش از این قراردادی ۳۰ ساله برای بهره‌برداری از معادن افغانستان در ولایت لوگر (در شرق افغانستان) بسته بود.

معدن مس عینک، در ولسوالی محمد آغه ولایت لوگر قرار دارد. آثار باستانی به‌دست آمده از این منطقه، گواه این مسأله‌اند که بهره‌برداری از این معدن سابقه‌ای طولانی دارد.

برخی از تحقیقات و بررسی‌ها، نشان می‌دهند با توجه به درآمدی که طالبان از طریق تجارت مواد مخدر به دست می‌آورد، نه هدفی برای بهره‌برداری از منابع طبیعی افغانستان دارد و نه توانایی آن را.

اخیراً برخی از مقامات بلندپایه طالبان، در تیان‌جین با وزیر خارجه چین دیدار داشتند که در این دیدار، ملا عبدالغنی برادر، معاون سیاسی طالبان ابراز امیدواری کرده بود که چین نقش بزرگی در بازسازی و توسعه اقتصادی افغانستان ایفا کند.

رسانه‌های چین پیش از این در گزارش‌هایی، از مزایای پروژه «جاده ابریشم جدید» چین برای افغانستان نوشته بودند. از سوی دیگر، چین بیم آن دارد که کشور از هم پاشیده افغانستان به پناهگاه اویغورها (اقلیت مسلمان چین) تبدیل شده و به این ترتیب منافع اقتصادی چین در سایه خشونت و ناامنی در افغانستان به خطر بیفتد.

پاکستان، کشور همسایه افغانستان نیز از منابع معدنی افغانستان بی‌نصیب نخواهد ماند. دولت پاکستان که در سال ۱۹۹۶ هم از طالبان حمایت کرده بود، هنوز هم ارتباط نزدیکی با این گروه دارد. پاکستان همچنین یکی از سودبرندگان اصلی پروژه «جاده ابریشم جدید چین» است.

هانس یاکب شیندلر از پروژه «مبارزه با افراطگرایی» گفته که در گذشته، یکی از مشکلات اصلی این بود که منابع و مواد به‌دست آمده را نمی‌شد از افغانستان بدون یک ارتش خصوصی خارج کرد. به گفته او «این تهدید اکنون از میان رفته است اما همچنان در زمینه زیرساخت‌ها کمبود هست و در این حوزه نیاز به سرمایه‌گذاری زیادی است.»

افریقای جنوبی، یکی از کشورهای است که نشان می‌دهد این کشور با داشتن منابع طبیعی فراوان به‌ویژه مواد معدنی فراوان، توانسته است در مسیر صنعتی‌شدن قدم بردارد و صنایع ایجاد شده در این کشور در راستای فرآوری و سودآور کردن منابع طبیعی این کشور ایجاد شده است و به همین دلیل، ستراتیژی صنعتی شدن و رشد اقتصادی افریقای جنوبی نیز مبتنی بر منابع بوده است.

فنلاند نیز یکی از کشورهای است که با داشتن منابع طبیعی فراوان مانند معادن، آب، جنگل و غیره و با مدیریت مناسب و استفاده صحیح از آن‌ها، توانسته است خود را از یک کشور فقیر به یک کشور صنعتی و پیشرفته تبدیل کند. دلیل مهم این امر این است که صنایع ایجاد شده در این کشور در راستای ایجاد ارزش افزوده به منابع طبیعی این کشور

بوده است و از طرفی صنایع دیگری نیز مانند صنایع مربوط به ارتباطات و اطلاعات در کنار صنایع مربوط به منابع طبیعی ایجاد شده است که نشان‌دهنده این است، درآمدهای حاصل از منابع طبیعی و صنایع مرتبط آن در مسیرهای درستی مانند رشد و پرورش نیروی انسانی و ایجاد صنایع دیگر سرمایه‌گذاری شده است.

افغانستان که در قلب آسیای میانه قرار دارد، آینده اقتصادی‌اش به ظرفیت منابع طبیعی بستگی دارد. افغانستان دارای سرشار از منابع طبیعی است. به طور کلی بیش از یک هزار و ۴۰۰ منطقه معدن در افغانستان وجود دارد، نفت، گاز طبیعی، زغال‌سنگ، مس، کروم، آهن، طلا، نقره، سنگ مرمر... افغانستان، از نظر وضعیت اقتصادی در ردیف پائین‌ترین کشورهای جهان، اما از نظر ثروت زیرزمینی در ردیف ثروت‌مندترین کشورهای جهان قرار دارد. نفت و گاز طبیعی، یکی از مهم‌ترین منابع طبیعی است از گذشته تا به امروز در رشد اقتصادی جهان نقش حیاتی داشته است. از ابتدای قرن نوزدهم، تعداد زیادی تحقیق گسترده در مورد منابع معدنی کشور انجام شده است. نتیجه این مطالعات حاکی از آن است که ارزش معادن کشور تقریباً یک الی سه تریلیون دالر است.

نخستین بار منابع گاز طبیعی در افغانستان در سال ۱۹۶۷ کشف شد. در دهه ۱۹۸۰ فروش گاز طبیعی ۳۰۰ میلیون دالر در سال بوده که ۵۶ درصد از درآمد صادراتی کشور را به خود اختصاص می‌داد و مقدار بیش‌تر این گاز طبیعی به اتحاد جماهیر شوروی صادر می‌شود.

تولید ناخالص داخلی همراه با صادرات گاز طبیعی پس از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۷ افزایش یافته اما جنگ علیه اشغال و درگیری‌های داخلی به مناطق معدن کشور آسیب رسانده و به همین ترتیب باعث فروپاشی اقتصاد کشور شده است.

نفت: ذخایر نفت افغانستان ابتداء حدود ۱۰۰ میلیون بشکه تخمین زده شد ولی تحقیقات بعدی مقدار آن را به مراتب بیش از این برآورد کرده است: «حدود ۸۰۰ میلیون بشکه». کشورهای همسایه برای استخراج نفت افغانستان زمینه‌هایی هم فراهم کرده بودند اما صدور نفت به مرحله اجراء درنیامد و طرح يك پالایشگاه نفت نیز با ظرفیت بیش از پنجاه هزار بشکه در روز در شمال افغانستان، مدنظر بود که آن هم اجراء نشده است.

افغانستان مقدار بسیار کمی نفت خام در میدان نفتی آنگوت (ANGOT) تولید می‌کند که این میدان نفتی در ولایت سرپل (Sari-pol) واقع شده است. این مقدار که در کارخانه در شبرغان تصفیه می‌شود به‌عنوان سوخت در کوره‌های حرارتی مرکزی شبرغان، مزار شریف و کابل مورد استفاده قرار می‌گیرد دیگر میادین نفتی افغانستان، زمراد ساي است که در نزدیکی شبرغان قرار دارد و طی اواسط سال ۲۰۰۱ بازسازی و تعمیر قرار گرفته بود. مرکز ذخیره و توزیع نفت خام افغانستان در منطقه جلال‌آباد بین بزرگراه کابل و پیشاور پاکستان قرار دارد.

گاز: یکی از مهم‌ترین مواد معدنی قابل استخراج در افغانستان گاز طبیعی است در حال حاضر مهم‌ترین ذخیره انرژی کشور گاز است. بخش اعظم معادن گاز طبیعی شناخته شد و در سرحدات شمالی افغانستان در مزار شریف، اطراف شبرغان و سرپل قرار دارد ذخایر گاز طبیعی افغانستان بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیارد متر مکعب تخمین زده شده که بعضی از منابع میزان ذخایر آن را تا حدود ۵۰۰ میلیارد متر مکعب برآورده شده‌اند.

باتیمتاک، جورقدوق، خواجه گوگردک از عمده‌ترین میادین گاز افغانستان است که همگی در محدوده ۲۰ مایلی شبرغان در ولایت جوزجان قرار دارند. احیای چاه‌های آسیب‌دیده در میادین خواجه گوگردک آغاز شده و موجب افزایش تولید گاز طبیعی شده بود.

تولید گاز طبیعی افغانستان در اواسط دهه ۱۹۷۰ به ۲۷ میلیون فوت مکعب در روز رسیده بود و در همین زمان میدان گازی جورقدوق مورد بهره‌برداری قرار گرفت، انتظار می‌رفت که بازدهی گاز طبیعی این کشور تا اوایل دهه ۱۹۸۰

به میزان ۳۸ میلیون فوت مکعب در روز برسد اما با توجه به مشکلات موجود، تولید این کشور از ۲۹ میلیون فوت مکعب فراتر نرفت.

خطوط لوله در افغانستان محدود است به نحوی که يك خط لوله از شبرغان به مزارشريف جهت استفاده در نیروگاه‌های كوچك و كارخانه‌های كودسازی كشيده شده است. همچنین چندین كيلومتر خط لوله در نزدیکی مناطق گازی که گاز را با دیگر مشتقات به نزدیکی روستاهای شبرغان می‌رساند.

برق: حدود ۶۵ درصد برق آشور از طریق انرژی هیدرولیک حاصل می‌شود و تنها قسمتی از آن در کارخانه‌های برق تولید می‌شود. روس‌ها طرح چندین سد را بر رودخانه کندوز در شمال افغانستان در نظر گرفته بودند که در صورت عملی شدن این طرح قسمت مهمی از نیازهای الکتریسیته افغانستان را تأمین می‌کرد. انرژی تولیدی این سدها به شبکه جنوبی برق جمهوری‌های شوروی سابق می‌پیوست. اما این طرح‌ها به دلایل اقتصادی، سیاسی و نظامی عملاً اجراء نشد. طبق تخمین ملل متحد در پایان سال ۱۹۸۲ ظرفیت برق تولید شده ۳۹۴ میلیون وات و در سال ۱۹۷۵ در حدود ۳۲۵ میلیون وات بود. بنابراین رشد تولید بین سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۸۷ حدود ۱۴ درصد بوده است. در سال ۱۹۸۷ ظرفیت برق تولید و مصرف شده ۴۸۰ میلیون کیلووات بوده که سرانه آن برای هر نفر ۱۴۰ کیلووات ساعت بود. بعد از شروع جنگ و درگیری‌های داخلی و خشک‌سالی‌های موجود شبکه برق افغانستان بشدت آسیب دید به نحوی که تولید برق توسط سدهای هیدرولیک افغانستان به سبب خشک‌سالی ۱۹۹۸-۲۰۰۰ به شدت کاهش پیدا کرد و منجر به خاموشی در کابل و شهرهای دیگر شد. میزان برق در سال ۱۹۹۹؛ ۴۸۰ میلیون کیلووات بوده که از این مقدار ۴۲۰ میلیون کیلووات در داخل تولید شده و حدود ۶۰ میلیون کیلووات واردات برق از ترکمنستان را داشته است، برق در افغانستان به صورت فسیلی ۳۴ درصد هیدرولیک ۶۵ درصد و ۱ درصد منابع دیگر تولید می‌گردد.

معادن افغانستان: افغانستان از لحاظ منابع معدنی کشوری غنی به‌شمار می‌رود و به همین دلیل، اکثر این منابع معدنی بکر و دست نخورده باقی مانده‌اند. اما با توجه به ۲۳ سال جنگ بی‌ثباتی اخیر در این کشور، وضعیت استخراج مواد معدنی به حالت تعلیق در آمد. کارشناسان و محققان بر این عقیده‌اند که صادرات مواد معدنی افغانستان می‌تواند یکی از منابع اصلی درآمد ارزی این کشور باشد. از مهمترین ذخایر معدنی شناخته شده در افغانستان عبارتند از: زغال سنگ، آهن، مس، اورانیوم، نمک، کرم نیکل، طلا، سولفور، باریت روی، قلع، فلور، میکا، سنگ لاجورد، آلومینیوم، سرب، یاقوت پنبه نسوز، جیوه، بوکسیت، تنگستن لیتیوم منگنز، سنگ مرمر، سنگ گچ، سنگ آهن.

زغال سنگ: ذخایر اثبات شده زغال سنگ در افغانستان بیش از ۱۰۰ میلیون تن تخمین زده شده است. ذخیره نهائی آن ۵۰۰ میلیون تن پیش‌بینی شده است. از مهمترین معادن ذغال سنگ می‌توان به معادن، اشپشیه، کرکر و دودکش اشاره کرد. براساس آمار موجود میزان استخراج زغال سنگ در فاصله سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۴ بیش از ۸۰۰۰۰۰ تن و در سال ۲۰۰۰ میلادی حدود ۲۰۰۰۰۰ تن بوده است که قسمت اعظم زغال سنگ تولید شده برای سوخت مناطق صنعتی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نمک: یکی دیگر از معادن استخراج شده افغانستان نمک است که میزان استخراج آن در سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۸۹ حدود ۳۸۰۰۰ تن و در سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۰ بیش از ۲۶۰۰۰ تن گزارش شده است.

مس: ذخایر مس افغانستان غنی است اما به‌صورت اقتصادی به کار نیفتاده است. اما انبوهی از معادن مس بین نقطه کجکی و مقرر قرار دارد. یکی از بزرگترین معادن مس، معدن عینک است که ذخیره آن را بین ۴ تا ۵ میلیون تن تخمین زده‌اند. براساس آخرین آمار میزان استخراج مس در سال ۲۰۰۰ میلادی، حدود ۵۰۰۰ تن بوده است.

آهن: پس از گاز طبیعی، مهم‌ترین ذخیره معدنی افغانستان آهن است ذخایر آهن بسیار عظیم است. اما برآورد دقیقی وجود ندارد و یکی از مهم‌ترین معادن شناخته شده آهن، معدن حاجی‌گک است که کارشناسان افغانستان ذخیره آن را بیش از ۵/۲ میلیارد تن تخمین زده‌اند، که ۶۲ درصد آن را خالص می‌دانند، اما بر اساس برآورد سال‌های ۱۹۶۷ فرانسوی‌ها و در پی آن شوروی‌ها معدن آهن حاجی‌گک در اکثر نقاط دارای ۷۵ درصد آهن است. گزارشات آن‌ها در آرشیو وزارت‌های پلان، معدن و صنایع و اقتصاد و همچنین وزارت خارجه افغانستان موجود است. از دیگر معادن آهن افغانستان می‌توان به خاکریز قندهار با ۸ میلیون تن ذخیره آهن، پغمان با ۸۳ میلیون تن ذخیره آهن، جبل سراج با ۸/۷ میلیون تن آهن اشاره کرد.

سایر معادن افغانستان نیز کمابیش غنی است. در نزدیکی ننگرهار يك ذخیره بزرگ سولفور قرار دارد. در بیابان‌های جنوب غربی افغانستان بین هرات و شیندند، و نیز در منطقه قندهار-هلمند اورانیوم وجود دارد. در ولایت بدخشان دو معدن طلا وجود دارد که به‌علت فقدان امکانات فنی اقدامی برای استخراج آن به‌عمل نیامده است.

با این وجود توسعه صنعت در افغانستان بسیار محدود است، صنایع موجود اغلب مدل‌های صنعتی قدیمی بلوک شرق هستند، صنایع موجود به هیچ‌وجه جوابگوی نیازهای داخلی افغانستان نیستند.

فعالیت‌های صنعتی افغانستان با احداث يك کارخانه نساجی در سال ۱۹۲۴ آغاز گردید اما در طول جنگ صنایع توسعه نیافته و از سوی دیگر تعدادی از واحدها فرسوده شده و از کار افتاده‌اند. یعنی به‌طور کلی صنایع موجود نه به اهداف توسعه در نظر گرفته شده دست یافتند و نه با ظرفیت اسمی خود کار کرده‌اند. به همین دلایل هم‌اکنون تعداد صنایع بخش‌های مختلف محدود است و معمولاً از يك یا چند واحد فراتر نمی‌روند.

صنایع افغانستان شامل: کارخانجات روغن نباتی، تهیه کشمش، آرد، کود کیمیائی، شکر، آجرپزی، مقواسازی، مسکه و فراورده‌های گوشتی، کفش‌دوزی، شیشه‌سازی، پلاستیک‌سازی، صابون‌پزی، منسوجات پشمی پنبه و ابریشمی، صنایع دستی شامل قالی‌بافی، گلیم‌بافی، نخ‌تابی، پوستین‌دوزی، چرم‌سازی، ظروف گلی، سنگتراشی و سوزن‌کاری و... می‌باشند.

دولت افغانستان قبل از سال ۲۰۰۱ با صادرات گاز طبیعی به خارج از کشور به‌ویژه روسیه درآمدهای زیادی به دست آورد، اما پس از جنگ، به کشور واردکننده گاز طبیعی بدل شد. سالانه افغانستان بیش از ۱۳۶ میلیون گاز از ایران، روسیه، ترکمنستان و ازبکستان وارد می‌کند. این در حالی‌ست که اگر مدیریت درستی در افغانستان وجود داشته باشد این کشور در صورت حل مشکلات امنیتی، شاهد سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی در منابع طبیعی خواهد بود. چرا که سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در صورت تأمین امنیت آماده سرمایه‌گذاری در بخش معادن این کشور هستند. در این صورت افغانستان می‌تواند در بین کشورهای صادرکننده گاز طبیعی جهان، جایگاه واقعی خود را پیدا کند.

دوشنبه سیزدهم تیر- سرطان- ۲۰۲۲ - چهارم جون ۲۰۲۲

ادامه دارد.